

درس دهم : سنجشگری در تفکر

- تفکر نقادانه یا سنجشگرانه، فراگیری مهارت تفکر و تفکر کردن درباره نحوه صحیح تفکر است
- پرورش مهارت های تفکر صحیح و ارزیابی استدلال ها مانند اکثر فعالیت های انسانی نیازمند تمرین و تکرار است.

• تفاوت مهم میان متفکر نقاد و غیرنقاد:

- ✓ جدی گرفتن فرایند تفکر و توجه آگاهانه به آن
- ✓ پرسیدن سؤال درست و به جا
- ✓ بررسی وجوه مختلف یک مطلب هنگام شنیدن یا تصمیم گیری درباره آن

• کاربردهای استدلال

1- درک حقیقت؛

در علوم تجربی و علوم انسانی در پی فهم حقایق علمی هستیم. به استدلال هایی که در این علوم به کار می روند برهان می گویند

2- اقناع دیگران؛

➤ گاهی در زندگی در پی قانع کردن دیگران هستیم. به عنوان مثال در یک سخنرانی، مانند سخنرانی مذهبی یا در میان تجمعی اعتراضی، سخنران به دنبال ایناع افراد براد انجام دادن عملی یا پذیرش مطلبی است .

➤ در گذشته چنین استدلال هایی را در فن خطابه بررسی می کردند. اما امروزه رسیدن به چنین هدفی، علاوه بر خطابه، شامل تمامی روش های اقناعی می شود که برخی از آنها در تبلیغات نیز به کار می روند.

➤ در فن بیان به سخنرانان آموزش داده می شود که چگونه با برپارد تماس چشمی با شنوندگان، روان و شیوا سخن گفتن و استفاده مناسب از زبان بدن، تأثیر کلامی قوی تر و زبانی اثرگذارتر داشته باشند.

3- غلبه بر دیگران؛

- گاهی در بحث با دیگران تنها در پی غلبه بر آنها هستیم. به عنوان مثال در جریان یک مناظره تلویزیونی، طرفین در پی اقناع یکدیگر نیستند؛ بلکه هدف آنها شکست دادن طرف مقابل است.
- هدف آنها بیان استدلال هایی است که در مقابل آنها، طرف مقابل حرفی برای گفتن نداشته باشد و مجبور به پذیرش نتایج آنها و یا اعتراف به شکست شود. کسانی که شاهد این مناظره اند، به فرد پیروزگرایش پیدا می کنند.
- در گذشته این گونه استدلال ها را در فن جدل بررسی می کردند.

- بهتر است در جدل به گونه‌ای مقدمات خود را مطرح کنیم که طرف مقابل نتواند نتیجه مورد نظر ما را زودتر حدس بزند؛ و ناگهان با طرح نتیجه مورد نظرمان وی را غافلگیر کنیم .
- بهتر است مرحله به مرحله از وی نسبت به پذیرش سخنانمان اعتراف بگیریم تا نتواند سخنان خود را تغییر دهد .

بار ارزشی کلمات در جملات

- **بار ارزشی مثبت:** کلمات یا جملاتی که خوب، محترمانه، مورد پسند، مودبانه و مثبت است.
- **بار ارزشی منفی:** کلمات یا جملاتی که بد و زشت، نکوهش شده، بی ادبانه و منفی است.
- **بار ارزشی خنثی:** کلمات یا جملاتی که فاقد دو ویژگی مثبت و منفی است .
- **مغالطه بار ارزشی کلمات:** بکاربردن **اشباهی یا عمدی کلماتی که دارای بار ارزشی متفاوتی** هستند و می‌تواند منشأ خطای اندیشه باشد.

- ✓ من در اعتقادات خود ثابت قدم و استوار هستم . بار ارزشی مثبت
- ✓ شما نسبت به پیشفرض های خود لجاجت و تعصب می‌ورزید. بار ارزشی منفی
- ✓ او در موضع گیری های خود یک دنده و کله شق است. بار ارزشی منفی

مغالطه در اثر عوامل روانی:

- متأسفانه بسیاری از انسان ها بیشتر تحت تأثیر عوامل روانی همچون تملق، ترس، تطمیع و مانند آن قرار می‌گیرند تا تحت تأثیر استدلال
- لازم است به تأثیر عوامل روانی بر ذهن انسان و خطاهایی که ممکن است تحت تأثیر این عوام پدید بیایند، توجه کنیم
- کلمات، دارای بار روانی اند و قدرت تأثیرگذاری متفاوتی دارند .
- نسبت گوینده با ما نیز در پذیرش یک نظر مؤثر است .به عنوان مثال سخنان خویشاوندان و دوستان صمیمی، از نظر روانی تأثیر بیشتری بر ما دارند
- در طول زندگی جملات مختلف در زرق و برق های احساسی و روانی پیچیده و سپس به ما عرضه می‌شوند. انسان اندیشمند باید بتواند مطلب اهلی را از لابه لای امور فرعی بیرون بکشد به دور از احساسات، درباره آن قضاوت کند
- تأثیر امور روانی به حدی است که در مواردی برای مطالب غلط دلیل تراشی می کنیم .
- کنون به چند مورد از شیوه هایی که از نظر روانی قصد تأثیرگذاری غلط بر انسان را دارند توجه کنید :

1) مغالطه مسموم کردن چاه

- در این روش فرد مغالطه گر بدون ذکر دلیل ، تنها ویژگی های ناشایست و نامناسبی را به یک نظریه یا پیروان آن نسبت می دهد تا کسی جرئت نکند به آن نظر توجه کند یا آن را بپذیرد .
مثال 1 : شخصی بدون آنکه استدلال معتبری ارائه کند، می گوید: تنها یک ترسو می تواند به این نظر معتقد باشد !

مثال 2 :شخصی تحت تأثیر چشم و هم چشمی های غلط در جامعه می گوید: باید هر جور شده هدیه گران قیمتی تهیه کنیم؛ وگرنه آبرویمان می رود!

(2) مغالطه تله گذاری

- در این روش برخلاف مغالطه مسموم کردن چاه، ویژگی های خوب و شایسته ای را به نظریه ای باطل یا معتقدان به آن نسبت می دهند و برای افراد تله می گذارند تا به سمت پذیرش آن گرایش پیدا کنند. در اصطلاح عامیانه به این روش «هندوانه زیر بغ کسی گذاشتن» می گویند .
مثال: شخصی بدون ذکر دلایل کارآمد بودن طرح خود می گوید :هرکس درک عمیقی داشته باشد، تأیید می کند که طرح من بسیار کارآمد است.

(3) مغالطه توسل به احساسات

عواطف و احساسات نقش مهمی در زندگی ما دارند. بدین جهت احساسات ما می توانند در تصمیم گیری های غلط و خطاهای ذهن ما نیز تأثیر داشته باشند. به عنوان مثال هنگامی که به خشم می آییم یا می ترسیم، خوب فکر نمی کنیم باید مراقب باشیم که هنگام بررسی یک نظر، احساسی عمل نکنیم و تا آنجا که می توانیم عقلانی و منطقی بیندیشیم

- در صورتی که بدون ذکر دلایل معتبر از احساسات افراد سوء استفاده شود، آنرا «مغالطه توسل به احساسات» می نامند .

مثال: کلاه برداران گاه از راه ایجاد طمع در افراد آنها را فریب می دهند.

طرح اسلام هراسی در غرب، از راه ایجاد حس ترس در مردم، آنها را به پذیرش نظریات سیاسی احزاب مورد نظر سوق می دهد.

با استفاده از حس ترحم در مردم، عده ای سودجو، از کودکان خیابانی برای پرکردن جیب های خود استفاده می کنند . حس خودخواهی باعث می شود که گاهی اشتباهات خود و بستگان خود را نبینیم یا به ناحق از آنها حمایت کنیم.

خودخواهی و خود دوستی باعث شده است در طول تاریخ، افراد نالایق از طریق تملق و چاپلوسی به مناصب مختلفی نزد شاهان ظالم دست یابند.

(4) مغالطه بزرگ نمایی و کوچک نمایی: